



میسر نیست. برعکس وقتی سخن از استرالیا یا آمریکا می‌شود، خیلی ساده و راحت می‌توان گفت کجای دنیا هستند، چه کسانی آنجا را کشف کردند و تمدن و دانش چگونه به آنجا رسید و چگونه مراحل رشد اقتصادی و سیاسی را پیمودند. در حالی که ایران این‌گونه نیست؛ چون تأسیس نشده و تاریخ تأسیس ندارد. گویی از روز ازل بوده است. اولین بار نام نامی «ایران» در متون اوستایی و زرتشتی دیده می‌شود و اشاره به مکانی دارد که رودخانه «دایتیای مقدس» آن را آبیاری می‌کرده است. برخی آن «جای نام» را شمال شرق ایران امروز (خراسان بزرگ) و برخی در شمال غرب (در جوار رود ارس) برشمرده‌اند. اما این نام نشانگر قدمت این سرزمین است؟ ایران کجاست و ایرانی کیست؟ سؤالی که در نگاه اول پاسخ‌دادن به آن سهل به نظر می‌رسد، اما با اندکی تأمل متوجه می‌شویم که تبیین این سؤال ساده، تبیین «هویت ملی» و «هویت فرهنگی» ماست؛ اگر آن را به اشتباه تعریف کنیم، هویت خود را به اشتباه و خطا دریافته‌ایم. واقعیت این است که در تاریخ‌نگاری حرفه‌ای، غربی‌ها نخستین بار در زمان هخامنشیان متوجه ایران شده‌اند؛ چراکه اولین امپراتوری جهان‌شمول، امپراتوری هخامنشیان بوده است و تمام جهان شناخته‌شده آن روزگار تحت استیلای ایرانیان قرار داشته و نبرد میان ایران و روم و تلخی‌هایی که ایرانیان بر کام رومی‌ها روا داشتند، باعث شد هرگز نام ایران را فراموش نکنند و البته در انتقام این دوران سخت، هرچه توانستند فتوحات و پیشرفت و تمدن را به خود منتسب کردند و بربریت و توحش را به شرقی‌ها و وقتی سخن از مشرق‌زمین می‌کردند، منظورشان فقط ایران بود. باستان‌شناسی سیاسی و تحمیل هویت به مرکزیت غرب از دستاوردهای پسااستعماری است که بیش از هر جای جهان، ایران را هدف قرار داده است. من از زمره کسانی نیستم که به دشمنی شرق و غرب و دیرینه‌بودن این خصومت پردازم، اما از واقعیت و حقیقت نیز غافل نمی‌شوم. این نگرش و رویکرد به ایران باعث شد وقتی با مشکلات و تنگناهای داخلی مواجه می‌شویم، نسل جوان ما که به نظر می‌رسد بیش از آنچه مدعی است، کم‌مطالعه و ناآگاه است، به فکر مهاجرت می‌افتد و با واژگانی سخیف، خود و کشور و ملتش را مخاطب قرار می‌دهد. دیگر هدف نگارنده این سطور و انجمن حقوق‌شناسی در مشارکت و همراهی با فرهیختگانی که یادداشت‌های آنان را ملاحظه می‌فرمایید، آگاهی‌بخشی به جامعه و به‌ویژه نسل جوان است تا با اطلاع از پیشینه کهن تمدنی و فرهنگی خویش، مبتلا به خودباختگی نشوند و باور داشته باشند که ایران، «مانا» بوده و خواهد ماند و روزهای سخت، نویدبخش روزگار شیرین است؛ همان‌گونه که تاریخ ما در هزاران سال گذشته بر همین منوال بوده و همواره پس از هر فروپاشی، به نوزایی ققنوس وار دست یافته‌ایم.

اهمیت این رمزگشایی در «نوزایی هویت ملی» ایرانی گفت‌وگو کردیم. استقبال و سخاوتمندی ایشان و همراهی همیشگی تیم رسانه‌ای «شرق»، مشوق تدوین «داستان باستان» شد؛ داستانی که می‌تواند درک ما را از هویت و تاریخ فرهنگی پدرانمان متحول کند. اگر بخواهم در یک جمله بگویم که اهمیت این رمزگشایی چیست، شاید چندان خلاف نگفته باشم که پیش از این، ما ایرانیان با توجه به جایگاهمان در عصر کشاورزی و انقلاب شهری در «شوش»، مدعی پیشگامی در هویت فرهنگی بوده‌ایم و ملتی در جهان به سابقه و پیشینه تمدنی ایرانیان وجود نداشته است. باین‌حال، از آنجا که «پیدایش خط» و سامانه نگارشی مبنای آغاز تمدن قرار داشته و تا همین سال‌های اخیر، همواره از تمدن سومر و خط میخی سومری به‌عنوان آغازگر تاریخ و تمدن نام می‌بردند، با این رمزگشایی، اگر نخواهیم عجب و توهم خودبرتربینی و ناسیونالیسم افراطی «ایران پرستی» شویم و بخواهیم هویت فرهنگی و تمدنی ایرانی را آنچه که هست، معرفی کنیم، از این پس می‌توانیم مدعی باشیم که علاوه بر هویت فرهنگی، ایرانیان از پیشگامان ایجاد سیستم نگارشی نیز بوده‌اند.

نخستین هدف ما در انجمن حقوق‌شناسی از مشارکت در این پروژه فرهنگی که به بهانه رمزگشایی از خط «آغاز ایرانی جدید» توسط فرانسوا دوسه مهیا شد، جلب توجه جامعه حقوقی به این مهم است که بازیابی هویت فرهنگی و تمدنی، لازمه استقرار جامعه‌ای است که بیکارچگی مبتنی بر اصالت خویش را مبنای حفظ نظام اجتماعی دانسته و از قانون و حاکمیت آن به‌منظور صیانت از هویت و دستاوردهای فرهنگی و تمدنی خود تمکین کند. پس اگر می‌خواهیم «حاکمیت قانون» در جامعه استقرار یابد، علاوه بر دیگر اقدامات، باید آگاهی خود و جامعه را از ایران و ایرانی و هویت ملی افزایش داده و با واقعیت تطبیق دهیم.

وقتی سخن از ایران می‌شود، امکان تبیین و توضیح آن به سادگی

شاگردان استاد مجیدزاده بود و از اعضای تیم ممتاز بین‌المللی که افتخار کاوش‌ها به‌ویژه در کنارصندل نصیب‌شان شد. کارهای او را تعقیب کردم. دریافتیم که درصدد رمزگشایی خط «ایلامی خطی» است. در سفری که به ایران داشت، بسیار مشروح در این زمینه و اهمیت این رمزگشایی گفت‌وگو کردیم. متوجه بودم چه اتفاقی دارد می‌افتد، اما واقعا تردید داشتم. تا اینکه در تابستان امسال خبر داد نتیجه پژوهش او در مجله معتبر بین‌المللی آشورشناسی و باستان‌شناسی خاور نزدیک DE GRUYTER منتشر شده است و نسخه‌ای از آن را برایم ارسال کرد. هم‌زمانی انتشار مقاله با رویدادهای تلخ پس از شهریور سال جاری باعث شد مدتی این موضوع را رها کنم، اما علی‌رغم این همه درد و غم، نمی‌توانستم از عشقم به وطن و ایران چشم‌پوشی کنم. سراغ مقاله رفتم و با دقت و بارها خواندم. قبول بفرمایید این مقاله برای متخصصان حوزه رمزگشایی خطوط باستانی بسیار سخت و پیچیده است و برای من درک آن تقریباً محال بود، اما به لطف مطالعات پیشین و گفت‌وگوهای بسیار با صاحب‌نظران و توضیحات فرانسوا، توانستم متوجه جزئیات مطلب شوم. موضوع به حدی حائز اهمیت بود که فکر کردم باید کاری کنم. پس با برادر فرهیخته و ایران‌دوستم جناب آقای رحمانیان -مدیرمسئول محترم روزنامه «شرق»- مطرح کردم و بدوا از



si-na-she-h-hu-ho n-ma-zo-t-n-a

انجمن حقوق شناسی



Iranian Association of Fundamental Legal Studies
انجمن حقوق شناسی